بازارهای اروپا برای گاز خاورمیانه

ترجمه و تلخیص:مصطفی شریف النبی

مقدمه:

مقاله زیر متن سخنرانی آقای‏ دکتر ناجی ابی عاد دستیار ارشد مؤسسه انرژی‏ مدیترانه در سومین کنفرانس گاز طبیعی قطر است که در تاریخ 15 تا 18 ماه مارس امسال‏ (1999)ایراد شده است.با توجه به اهمیت‏ روزافزون گاز طبیعی در سطح جهان بویژه رشد فزاینده مصرف گاز طبیعی در کشورهای‏ پیشرفته در جهت جلوگیری از انتشار گازهای‏ گلخانه‏ای و بارانهای اسیدی و نقش خاورمیانه‏ و بویژه جمهوری اسلامی ایران به عنوان‏ دارنده دومین ذخایر گاز طبیعی جهان،بررسی‏ پتانسیل‏ها و راهکارهای توسعه صادرات گاز کشورهای خاورمیانه از اهمیت خاصی‏ برخوردار است.

\*\*\* پیش‏بینی‏های اخیر در مورد تقاضای‏ انرژی در 15 کشور عضو اتحادیه اروپا نشان‏ می‏دهد که مصرف گاز طبیعی این منطقه در مقایسه با مصرف سایر منابع انرژی رشد بیشتری خواهد داشت.از اینرو تعیین‏ عرضه‏کنندگان جدید گاز طبیعی جهت تأمین‏ نیاز منطقه تا قبل از سال 2005 ضروری‏ است.در همین راستا فاصلهء بین تقاضای‏ داخلی گاز از یک‏سو و تولید منطقه و قراردادهای منعقد شده واردات گاز تا سال‏ 2010 و 2020 از سوی دیگر،عمیق‏تر خواهد شد.

تقاضای گاز

چشم‏انداز بلندمدت تقاضا برای گاز طبیعی در اتحادیه اروپا نشان‏دهندهء افزایش‏ مصرف واقعی از حدود 350 میلیارد متر مکعب در سال 1997 به حدود 440 میلیارد متر مکعب در سال 2005،با میانگین‏ نرخ رشد سالانه حدود 3 درصد است.پس از سال 2005،این نرخ رشد کاهش خواهد یافت‏ و مصرف به حدود 475 میلیارد متر مکعب در سال 2010 و سپس به حدود 520 میلیارد متر مکعب در سال 2020 می‏رسد و جمعا نرخ‏ رشدی حدود 8/1 درصد سالانه را طی سالهای‏ 1997 تا 2020 برای مصرف گاز اتحادیه‏ اروپا شاهد خواهیم بود.

در سال 020،سهم گاز طبیعی در کل‏ انرژی اولیه مصرفی در اتحادیهء اروپا به رقمی‏ بین 26 تا 28 درصد خواهد رسید که با 22% سهم گاز در سال 1997 قابل‏مقایسه است.

عوامل اصلی که احتمال افزایش در تقاضای گاز طبیعی اتحادیهء اروپا را قوت‏ می‏بخشند شامل توجه مضاعف به جلوگیری از اثر گازهای گلخانه‏ای؛مزیتهای اقتصادی و رقابتی استفاده از گاز در نیروگاههای برق با کارایی بالاتر،سطح بالای سازگاری گاز با شکل ساختار یافته شبکهء مصرف‏کنندگان‏ (وجود شبکهء گسترده گاز در اروپا)و تنوع‏ بخشیدن به منابع انرژی مصرفی است.

با بررسی بخشی تقاضای گاز در کشورهای‏ عضو اتحادیه اروپا،به نظر می‏رسد که تقاضا در بخش تجاری و خانگی رشد در حدود 33 درصد طی سالهای 1997 تا 2020 خواهد داشت.انتظار می‏رود عملکرد استفاده صنعتی‏ از گاز با توجه به موقعیت آینده بخش صنعت‏ اتحادیه کمتر از 20 درصد باشد.

بخش تولید برق در کوتاه‏مدت رشد قابل‏ توجهی را در تقاضا برای گاز تجربه خواهد نمود،اما پس از آن از رشد تقاضا کاسته خواهد شد.به نظر می‏رسد دیگر بخشها شامل وسائل‏ نقلیه سهم خود را در تقاضای کل افزایش دهند.

پیش‏بینی تقاضای گاز اتحادیهء اروپا از نظر جغرافیایی متفاوت خواهد بود.در حالیکه‏ صنایع گاز در غرب و شمال اروپا در حال‏ حاضر سهم زایدی در ترکیب انرژی مصرفی‏ دارند،اما هنوز پتانسیل تقاضای قابل‏توجهی‏ برای برخی صنایع گاز جنوب اروپا وجود دارد.

انتظار می‏رود تقاضای سالیانه برای گاز طبیعی در ایتالیا تا سال 2010 به حدود 75 میلیارد متر مکعب و در سال 2020 به رقم 93 میلیارد متر مکعب برسد.انتظار می‏رود استفاده‏ از گاز طبیعی در اسپانیا نیز به حدود 23 میلیارد مترمکعب در سال 2010 و حدود 30 میلیارد مترمکعب تا سال 2020 برسد. چشم‏انداز رشد تقاضای گاز طبیعی در پرتغال و یونان در حدود 5 میلیارد و 4 میلیارد متر مکعب در سال 2010 و 10 میلیارد و 7 میلیارد متر مکعب تا سال 2020 است.

مصرف‏کنندهء مهم دیگر ترکیه است که از وزن خاصی در آینده تقاضا برای گاز طبیعی‏ اروپا برخوردار است.نیاز ترکیه به گاز طبیعی‏ بین 25 تا 45 میلیارد متر مکعب تا سال 2010 و بین 40 تا 65 میلیارد مترمکعب تا سال‏ 2020(بر پایه سناریوهای مختلف)است.

عرضه گاز تولید داخلی و قراردادهای‏ موجود واردات گاز به اتحادیهء اروپا

انتظار می‏رود تولید داخلی گاز طبیعی در اتحادیه اروپا که بر تعداد محدودی از تولیدکنندگان متمرکز است،رشد آرام داشته‏ و تولید داخلی اروپا از 215 میلیارد مترمکعب‏ در سال 1997(حدود 61 درصد کل تقاضای‏ گاز در منطقه)به حدود 220 میلیارد مترمکعب در سال 2010(حدود 46 درصد از کل تقاضا)برسد امام در دههء دوم قرن 21 یعنی‏ تا سال 2020 این تولید به رقم 140 میلیارد مترمکعب کاهش خواهد یافت که حدود 27 درصد کل تقاضا برای گاز طبیعی در اروپا را شامل می‏گردد.

در بین عرضه‏کنندگان داخلی،تنها انگلیس‏ و هلند ممکن است توانایی افزایش عرضه گاز طبیعی تولیدی خود طی دهه آینده را داشته‏ باشند.پس از آن،طی 10 سال بعد،تقریبا همه‏ تولیدکنندگان اروپایی گاز،شاهد حفظ تولید در سطح قبلی یا حتی افت تولید خواهند بود.

به منظور جبران رشد تقاضا در آینده، تاکنون قراردادهای زیادی جهت واردات گاز طبیعی به اتحادیهء اروپا امضاء شده که حجم‏ واردات گاز را از حدود 135 میلیارد مترمکعب در سال 1997 به حدود 215 میلیارد مترمکعب در سال 2005 افزایش‏ می‏دهد.

کمبود گاز

مقایسه پیش‏بینی عرضه و تقاضای گاز طبیعی برای کشورهای اتحادیهء اروپایی نشان‏ می‏دهد که تا قبل از سال 2005 موازنه بین‏ عرضه و تقاضای گاز وجود خواهد داشت.از آن‏زمان به بعد منطقه نیاز به واردات گاز با توجه به کمبودی بمیزان 10 میلیارد مترمکعب‏ در سال 2005 و 40 میلیارد مترمکعب در سال 2010 خواهد داشت.این میزان کمبود عرضه طی دهه دوم قرن 21 یعنی تا سال‏ 2020 به رقم 165 میلیارد مترمکعب خواهد رسید.

در آن‏زمان واردات گاز از منابع جدید ضرورت خواهد یافت که در این صورت نیاز به‏ عقد قراردادهای جدید جهت جبران 32% از کل تقاضای اروپا بشدت احساس می‏گردد.این‏ میزان حدود 43% از کل واردات مورد نیاز منطقه را شامل می‏شود.

آیا نیازی به گاز خاورمیانه‏ وجود خواهد داشت؟

تردیدهایی در مورد امکان جبران افزایش‏ تقاضای اتحادیه اروپا توسط عرضه‏کنندگان‏ فعلی خارج از منطقه یعنی روسیه،نروژ و الجزایر وجود دارد اما درهرحال آنهادر زمرهء عرضه‏کنندگان عمده به اروپا باقی خواهند ماند.

با توجه به اینکه انتظار می‏رود صادرکنندگان سنتی گاز طبیعی نتوانند افزایش‏ تقاضا را در کشورهای اتحادیه اروپا و نیز در دیگر کشورهای شرق و غرب اروپا جبران کنند و همچنین در جهت تنوع بخشیدن به‏ عرضه‏کنندگان گاز که لازمه تضمین امنیت‏ عرضه در آینده است،نیاز به عرضه‏کنندگان‏ دیگر بخصوص دسترسی به منابع گاز طبیعی‏ دوردست بچشم می‏خورد.این عرضه‏کنندگان‏ جدید می‏توانند کشورهایی نظیر نیجریه و ترینیداد که در قرن آینده به جمع صادرکنندگان‏ خواهند پیوست،باشند.اما بطور مشخص‏ صادرکنندگان خاورمیانه‏ای در سالهای آتی‏ می‏توانند به عنوان عرضه‏کنندگان مطمئن به‏ کشورهای اتحادیه اروپا ظاهر شده و به تنوع‏ بخشیدن به مبادی عرضه گاز طبیعی به اروپا کمک نمایند.

دریافت‏کنندگان عمده گاز خاورمیانه‏ کشورهای جنوب اروپا و ترکیه خواهند بود زیرا کشورهای شمال و غرب اروپا تقاضای‏ خود را عمدتا از عرضه‏کنندگان فعلی تأمین‏ خواهند کرد.

درهرحال،در شرائطی که گاز طبیعی در خاورمیانه دارای مزیت‏های زیادی همچون‏ ذخایر عظیمی،هزینه‏های توسعه و تولید کم‏ جهت عرضه به اروپا می‏باشد،کشورهای منطقه‏ باید بتوانند با ارائه قیمت‏های رقابتی در مقابل‏ سایر عرضه‏کنندگان بالقوه و دیگر انرژیهای‏ اولیه(مانند نفت و زغال‏سنگ)موقعیت خود را عنوان عرضه‏کنندگان جدید به اروپا تثبیت و تقویت نمایند.جهت دستیابی به این هدف، متوازن نمودن پیوسته بهره مالکانه،هزینه‏ حمل‏ونقل و ترانزیت و هزینه‏های همراه با توسعه طرحهای گاز در مقابل واقعیت‏های‏ بازار نقش اساسی را ایفا خواهند نمود.